

نام و نام خانوادگی:
مقطع و رشته: هفتم
نام پدر:
شماره داوطلب:
تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد انقلاب
آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: نگارش/املا
نام دبیر: مهری اخوی
تاریخ امتحان: ۱۴۰۰/۱۰/۷
ساعت امتحان: ۸:۰۰ صبح
مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

نام دبیر:	تاریخ و امضا:	نمره به عدد:		محل مهر و امضا: مدیر
		نمره به حروف:	نمره به عدد:	
نام دبیر:	تاریخ و امضا:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	
نام:	تاریخ:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	
شماره:	تاریخ:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	
تعداد صفحه سؤال:	تاریخ:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	
ردیف	سؤالات	ردیف	نمره	
	<p>غرقه شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم. آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت.</p> <p>اوایل ریاست جمهوری یک هیئت جهانی به ایران آمد. و رئیس آن به من گفت: امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است.</p> <p>کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت، سرشار از درس ها و اندرزهاست. اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی این دوره را با تأمل، تفکر و بصیرت همراه کنیم به شکوفایی خواهیم رسید.</p> <p>می گویند، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ ها حک شده بود، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد.</p> <p>می گویند: قدر وقت را بدانید و دقایق گرانبها را بیهوده از دست ندهید، مقصودم این نیست که دائما در کوشش و اضطراب باشید و راحت و آرام را بر خود حرام کنید. ساعاتی که در مصاحبت با دیگران می گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی های تفریحی مصرف می شود، در ردیف اوقات تلف شده نیست.</p> <p>یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب خیز بودم. شبی در خدمت پدر -رحمة الله علیه- نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته.</p>			

جمع بارم : ۲۰ نمره